

زیگموند فروید

آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره

ترجمه بنیامین مرادی



سرشناسه: عنوان و پدیدآور: **Freud, sigmund** فروید، زیگموند ۱۸۵۶-۱۹۳۹م.  
 آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره / زیگموند فروید  
 ترجمه بنیامین مرادی  
 تهران: مصدق، ۱۳۹۴.  
 ۳۲۰ ص.  
 978-600-7436-35-6  
 مشخصات نشر: مشخصات ظاهری: شابک:  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
 موضوع: تداعی معنا - حافظه.  
 روان‌شناسی آسیب‌شناختی.  
 مرادی، بنیامین ۱۳۶۱ مترجم.  
 ۱۳۹۴ BF۱۷۳/۴۸۵  
 ۱۵۰/۱۹۵۲  
 ۲۰۶۱۷۷۵  
 رده‌بندی افزوده: رده‌بندی کنگره: رده‌بندی دیویی: شماره‌کتابخانه ملی:



خیابان دانشگاه، چهارراه واحد نظری، شماره ۵۲  
 تلفن: ۶۶۲۶۸۸۵۱ - ۶۶۲۰۰۲۲۳

آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره  
 زیگموند فروید

ترجمه: بنیامین مرادی

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰ جلد

چاپ: فرابین

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۷۴۳۶ - ۳۵ - ۶

ISBN: 978 - 600 - 7436 - 35 - 6

با همکاری انتشارات جامی

۱۸۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

۵	یادداشت مترجم
۱۵	فراموشی اسامی خاص
۲۳	فراموشی واژه‌های خارجی
۳۱	فراموشی اسامی و ترتیب کلمات
۶۳	خاطرات کودکی و خاطرات پنهانگر
۷۳	لغزش‌های زبانی
۱۳۴	خطاهای خواندن و نوشتن
۱۶۵	فراموشی برداشت‌ها و قصدها (برنامه‌ها)
۱۹۵	اشتباهات و اعمال ناشیانه
۲۲۷	اعمال نشانگر و تصادفی
۲۵۴	سهوها
۲۶۹	کنش‌پریشی‌های مرکب
۲۷۹	جبر باوری، باور به شانس و خرافه

## یادداشت مترجم

مراجعه شود که من منم  
من نه منم نه من منم

### ۱- درباره کتاب

کتاب «آسیب شناسی روانی زندگی روزمره» در سال ۱۹۰۱، یک سال بعد از انتشار «تفسیر رویاه» به چاپ رسید و فروید به تدریج در طی سال‌های آتی با افزودن مثال‌های متنوع و متعدد، آن را بسیار غنی‌تر ساخت. برای خوانندگان مبتدی که می‌خواهند با روانکاوی و بسویژه نظریات فروید آشنا شوند، کتاب حاضر می‌تواند بهترین گزینه محسوب شود، زیرا کتاب کمتر به مسائل نظری محض می‌پردازد و بیشتر با ارائه مثال‌های بی شماری که کمابیش در زندگی هر کدام از ما اتفاق می‌افتند و بسیار عینی و همه فهم هستند، سعی در تبیین نظریات روانکاری دارد.

فروید در این کتاب با تحلیل موارد گوناگونی از کنش‌پریشی، ما را با عرصه ناخودآگاه روان آدمی آشنا می‌سازد. منظور فروید از کنش‌پریشی همان اشتباهاتی است که خواه بیماران روان رنجور و خواه افراد بهنجار و سالم در زندگی روزمره مرتکب می‌شوند؛ از جمله می‌توان فراموشی‌ها (برای مثال فراموشی موقت و زودگذر اسامی خاص)، لغزش‌های زبان،

خطاهای خواندن و نوشتن، اعمال ناشیانه، گم کردن و شکستن اشیاء را نام برد، یعنی تمام آن اعمالی که ما معمولاً دلیلی روانی برای آنها قائل نمی‌شویم و خیلی ساده آنها را نتیجه حواس پرتی و شانس و اتفاق می‌دانیم. در کنار این اعمال کنش‌های دیگری نیز وجود دارند که اعمال تصادفی و نشانگر نامیده می‌شوند. مانند ور رفتن با ریش، خط خطی کردن یا ممداد، به صدا درآوردن سکه‌های داخل جیب و بازی با انگشت‌ها یا با لباس و غیره. بر خلاف کنش‌های پریشی‌ها که از اعمال آزادی‌آزمی بهره‌برداری کرده و بواسطه آنها و همچنین با مختل کردن آنها خواسته‌های ناخودآگاه را جامعه عمل می‌پوشانند، اعمال نشانگر به خودی خود هیچ هدفی ندارند و تنها مانند یک نشانه‌سازی از ناخودآگاه را فاش می‌سازند.

در این کتاب، بحث بر سر خطاها و اشتباهاتی است که ما ناخواسته و بطور ناخودآگاه مرتکب آنها می‌شویم. هر چه بر تلاش و دقت مان در راستای بی‌اشتباه بودن می‌افزاییم، بیشتر و بیشتر دچار خطاهایی از این دست می‌شویم، انگار نیروی دیگری به غیر از نیروی اراده در ما حکم فرماست و توجهی به خواست و اراده آگاهانه ما ندارد. ما این کنش‌های پریشی‌ها را خطا و اشتباه می‌دانیم زیرا با اراده و تصمیم‌های آگاهانه ما در تضاد قرار دارند، اما اگر خواست و اراده ناخودآگاه را در نظر آوریم، هیچ خطا و اشتباهی در میان نیست. همان خطایی که شعور آگاه ما آن را خطا دانسته، در واقع اجرای کاملاً صحیح و موفقیت‌آمیز دستوری است که از ضمیر ناخودآگاه صادر شده است.

کنش‌های پریشی‌ها، تکان‌ها و نیتانی را ابراز می‌دارند که فرد توان رویارویی با آنها را ندارد یا نمی‌خواهد به وجود آنها اعتراف کند و درست به مانند رویاها و نشانه‌های روان رنجوری، منبع تمامی این اعمال، امیال و عقده‌هایی هستند که سرکوب شده و به ناخودآگاه رانده شده‌اند. تحلیل و واکاوی دقیق این نوع اشتباهات می‌تواند ما را به شناخت هر چه بیشتر زندگی درونی مان و سرزمین اسرارآمیز ناخودآگاه رهنمون سازد. اغلب

ما از طریق همین کنش پریشی هاست که رازهای عمیق و درونی مان را فاش می‌سازیم، رازهایی که در ناخودآگاه قرار داشته و ما هرگز از وجود آنها اطلاعی نداریم و غالباً در تضاد با اندیشه‌های خودآگاه هستند. بی‌جهت نیست که فروید می‌گوید: «حقیقت انسان به آن چه اظهار می‌دارد نیست بلکه حقیقت او نهفته در آن چیزی است که از اظهار آن عاجز است، بنابراین اگر خواستی او را بشناسی نه به گفته‌هایش بلکه به ناگفته‌هایش گوش کن» به نظر فروید هیچ کدام از این کنش پریشی‌ها اتفاقی و تصادفی نبود، و در پس پشت آنها انگیزه‌های روانی وجود دارد. برای مثال هنگامی که مطلبی فراموش می‌شود این امر نشانگر وجود مقاومتی است در ضمیر خودآگاه در مقابل به خاطر آوردن آن، زیرا که مطلب فراموش شده مدعای کننده‌ی خاطره‌ای دردناک است که با مطلب فراموش شده ارتباطی محتوایی یا آوایی دارد. حال اگر مقاومت ناچیز یا بسیار ضعیف باشد مطلب فراموش شده بی‌هیچ تغییر و تحریفی به ضمیر خودآگاه می‌رسد. اما برعکس، اگر مقاومت بسیار شدیدی در مقابل خودآگاه شدن مطلب فراموش شده وجود داشته باشد آنگاه تحریف و تغییر بوجود آمده نیز چشمگیر خواهد بود. اندیشه‌ای که به جای مطلب فراموش شده به ذهن خطور می‌کند همچون علامت یا سمپتوم است. این اندیشه‌ی جانشین، گذرا و موقتی بوده و هرچه تغییر و تحریف آن به دلیل مقاومت بیشتر باشد کمتر به اندیشه اصلی و مورد جستجو شباهت خواهد داشت. با وجود این، میان این دو، قطعاً شباهتی وجود خواهد داشت و اگر تحریف و تغییر بوجود آمده زیاد نباشد، می‌توان مطلب فراموش شده را بر اساس اندیشه‌ی جانشین حدس زد. در واقع اندیشه‌ی جانشین که در ضمیر خودآگاه فرد ظاهر می‌شود در مقایسه با مطلب سرکوب شده همچون یک کنایه است یا ترجمه‌ی آن به زمانی دیگر.

به زعم فروید در زندگی روزمره موقعیت‌هایی وجود دارد که شباهت بسیار زیادی به همین سازوکار دارند، من جمله در طنز و بذله‌گویی. او برای روشن ساختن این موضوع، حکایت زیر را نقل و تفسیر می‌کند:

«حکایت می‌کنند که دو تاجر بی‌وجدان که بویی از شرافت نبرده بودند

بعد از این که موفق می‌شوند دارایی و ثروت هنگفتی را از راههای نه چندان درست کسب کنند، سعی می‌کنند در میان طبقه اشراف پذیرفته شوند. بنابراین پیش خود می‌اندیشند که بهتر است دستور دهند نقاش معروفی پرتره‌شان را بکشد. این دو، مهمانی باشکوهی ترتیب می‌دهند تا این دو تابلو را به رخ مهمان‌ها بکشند و در این میان منتقد هنری منتقدی را نیز به مهمانی دعوت می‌کنند. منتقد در مقابل دیواری که دو تابلو در کنار هم آویخته بودند ایستاده بود. او پس از اینکه مدت زیادی به تابلوها خیره شد سرش را تکان داد انگار که چیزی کم باشد و با اشاره به فضای خالی میان دو تابلو، تنها به این پرسش اکتفا کرد که: «پس مسیح کجاست؟» در تفسیر این حکایت طنز فروید می‌گوید: «بی شک منتقد خواسته بود بگوید: «شما دو آدم شاید هستید مانند آن دو دزدی که عیسی مسیح در میان آنها به صلیب کشیده شد.» با جود این او این جمله را بر زبان نیاورد. اما چیزی گفت که در نگاه اول عجیب، غیر قابل فهم و بسی ربط به آن موقعیت به نظر رسید. البته درک لحن تحقیرآمیز جمله منتقد هنری کار دشواری نیست. این جمله جایگزین یک دشنام شده بود که همان ارزش و مفهوم را داشت» به عبارتی این جمله، اندیشه جان‌شینی بود برای دشنام یا همان مطلب سرکوب شده.

فروید در ادامه می‌پرسد چرا منتقد همیشه خود را به طور مستقیم و شفاف به آن دو شاید نگفت؟ و در پاسخ می‌گوید: «زیرا علی‌رغم تمایلش به رک و صریح بودن، انگیزه‌های مخالف دیگری در تقابل با خواست و اراده او بودند. زیرا این احتمال وجود داشت که به میزبانان خود در آن جمع اهانت کند، میزبانانی که چماق‌داران زیادی در خدمت خود داشتند و این چماق‌دارها هر آن می‌توانستند او را زیر ضربات مشت و لگد خود بگیرند. بنابراین منتقد از شفاف بودن پرهیز کرد و دشنام خود را در لفافه و به شکل کنایه بیان کرد»<sup>۱</sup>.

۱- ترجمه از کتاب Cinq leçon sur psychanalyse Petite bibliothèque payot,

این مثال به واضح‌ترین شکل ممکن نشان می‌دهد که در سیستم روانی انسان اندیشه‌ها و تکانه‌های ممنوعه که سرکوب شده و به ناخودآگاه رانده شده‌اند چگونه برای عبور از سد مقاومت و رسیدن به سطح آگاهی در ضمیر ناخودآگاه قلب و جعل شده و با لباسی مبدل دوباره به سمت خودآگاه برمی‌گردند. از آنجایی که اقتصاد روانی بر پایه کسب لذت و کاهش درد است بنابراین انباشته شدن انرژی‌های روانی در ناخودآگاه موجب افزایش درد و عدم تعادل خواهد شد و از این رو فرآیندهای روانی برای حذف و کاستن از این بار روانی انباشته شده در ناخودآگاه به حرکت در می‌آیند و اندیشه‌ها و امیال سرکوب شده را بعد از تحریف و تغییر شکل و با ظاهری قابل قبول تر به سمت آگاهی می‌رانند.

با این وصف بسیار ساده‌انگارانه است که بخواهیم تمامی این خطاها را ناشی از شانس و تصادف بدانیم. باید اعتراف کنیم که بیشتر این اشتباهات و خطاهای غیرارادی، در واقع کاملاً عمدی و ارادی هستند، لکن عمد و اراده‌ای که از سوی ضمیر ناخودآگاه نشأت می‌گیرد و در پی این است که امیال و خواسته‌های ناخودآگاه را جامه عمل بپوشاند. انگار اراده‌ای متضاد و بسیار نیرومندتر از اراده آگاه قصد دارد فرامین ضمیر خودآگاه را نادیده گرفته و دستوراتی را برخلاف آن صادر نماید. بنابراین به نظر می‌رسد آدمی در عمق وجود خود گرفتار نوعی دوگانگی است. دانش روانکاوی فروید با تبیین وجود ضمیر ناخودآگاه و قائل شدن به اینکه اساس وجود آدمی بر مبنای ساختار و امیال ضمیر ناخودآگاه اوست، انقلابی عظیم در تمامی زمینه‌های علوم انسانی به پا کرد. پس از فروید، شعور و آگاهی انسان چنان محدود و عاجز معرفی شد که عملاً در مقایسه با تأثیرات ناخودآگاه به سادگی می‌توان آن را نادیده انگاشته و انسان را اساساً موجودی مجبور و تحت کنترل ناخودآگاه دانست.<sup>۱</sup>

۱. در بخش‌هایی از این یادداشت از مطالب کتاب الکترونیکی «مبانی روانکاوی فروید» نوشته حمید تقدسی استفاده شده است. م.



## ۲- چند نکته درباره ترجمه کتاب

همان طور که احتمالاً علاقه‌مندان و خوانندگان آثار فروید می‌دانند از این اثر دو ترجمه در بازار کتاب وجود دارد<sup>۱</sup>. این امر جای خوشحالی دارد که مترجمین این اثر، بی‌به ارزش و اعتبار آن برده و با وقف بخشی از عمر ذی قیمت خود این کتاب را ترجمه و در اختیار خوانندگان مشتاق قرار داده‌اند. اما با مطالعه این دو ترجمه و مقایسه آنها با متون مبدا می‌توان شاهد کاستی‌ها و اشتباهات و اشکالات متعددی در آنها بود. اشتباهاتی که می‌توانند فهم کتاب را دشوار و خواننده را گمراه سازند. برای مثال در ترجمه‌ای که از نسخه انگلیسی این اثر صورت گرفته مترجم چنان متن را تحریف کرده است که به نظر می‌رسد هر آنچه فروید به رحمت رشته، مترجم همه را پنبه کرده است. اما در این میان باید رعایت انصاف را کرد و گفت که ترجمه دیگر که از متن فرانسه صورت گرفته به مراتب دارای اشکالات کمتری است اما در این نسخه نیز شاهد حذف مطالب بسیاری از کتاب هستیم. برای نشان دادن گوشه‌ای از کنج فهمی‌ها و اشتباهات مترجمین قبلی تنها به ذکر چند مورد اکتفا خواهیم کرد:

Conversely, replacing one name by another, assuming someone else's name, identification by means of a slip over a name, must signify an appreciative feeling which has for some reason to remain in the background for the time being.

En revanche, la substitution d'un nom à une autre, l'appropriation d'un nom étranger, l'identification au moyen d'un lapsus signifient certainement l'usurpation d'un bonheur

۱- ز. فروید، روانشناسی فراموشی، ترجمه مهوش قویص، انتشارات علم، چاپ دوم، ۱۳۹۱

ز. فروید، آسب‌شناسی روانی زندگی روزمره، ترجمه محمدحسین وفار، انتشارات اطلاعات، چاپ

dont, pour une raison ou un autre, on n'a pas conscience au moment où on s'en rend coupable.

مترجم متن انگلیسی: برعکس، جانشین ساختن نامی با نام دیگر، به گمان اینکه نام شخص دیگری است، و یا به عبارتی، همانند سازی بالغزشی در قبال یک نام، باید نشانه احساس ادراکی باشد که لازم است عجلانادر پرده پنهانی بماند. (ص ۱۰۱ همان کتاب)

مترجم متن فرانسه: برعکس به کار بردن یک اسم به جای اسم دیگر، به خود اختصاص دادن نام یک شخص، مشخص نمودن هویت یک فرد همراه با لغزش زبانی. مطمئنا به مفهوم خدشه دار ساختن شهرت و ابروی اوست. اما به هر دلیل، موقعی که ما مرتکب این گونه اعمال می شویم، از قصد و نیت خود آگاهی نداریم. (صص ۱۱۸ و ۱۱۹)

ترجمه پیشنهادی: در مقابل، جایگزین کردن یک اسم با اسمی دیگر، به خود اختصاص دادن اسم یک شخص دیگر و همانند سازی با صاحب اسم که بواسطه لغزش زبان اتفاق می افتد، قطعا نشانه احساسی از تایید و تصاحب اختارات صاحب اسم است که به دلایلی نامعلوم فرد هنگام ارتکاب لغزش به آن آگاهی ندارد.

There are powerful internal punishments for any breach of the respect due to age (this is reduced to childhood terms, of the respect due to the father).

Le manque de respect envers les plus âgés (chez les enfants, envers le père) entraîne de graves châtements.

مترجم متن انگلیسی: مجازات های درونی نیرومندی برای نقض احترام به سائقه سن (یعنی احترام لازم برای پدر را به عبارت کودکانه در آوردن) وجود دارد. (ص ۱۰۰ همان کتاب)

ترجمه پیشنهادی: بی احترامی نسبت به بزرگترها (برای مثال در نزد کودکان، بی احترامی نسبت به پدر) مجازات درونی شدیدی به دنبال دارد.

Among the motives for this interferences the purpose of avoiding arousing unpleasure by remembering is conspicuous.

Parmi les causes de ces troubles, on note en premier lieu et avec le plus de netteté désir d'éviter un sentiment desagréable ou pénible que tel souvenir donné est susceptible de provoquer.

مترجم متن انگلیسی: در میان محرک‌های این گونه مداخله‌ها، اجتناب از تحریک کراهت ناشی از به خاطر آوردن، برجستگی بیشتری دارد. (ص ۵۲ همان‌کتاب)

ترجمه پیشنهادی: در میان علل این قبیل اختلال‌ها می‌توان در وهله اول و به وضوح، میل اجتناب از یک احساس ناخوشایند یا دردناک را برشمرد که خاطره‌ای خاص می‌تواند آن را برانگیزد و زنده کند.

Le nom d'une ville italienne échappe au souvenir à cause de sa grande ressemblance phonétique avec un prénom féminin,...

The name of a town in Italy escaped the subject's memory as a consequence of its great similarity in sound to a woman's first name,...

مترجم متن فرانسه: اغلب افراد نام یک شهر ایتالیایی را که تشابه آوایی بسیاری با نامی دخترانه دارد، از خاطر می‌برند. (ص ۴۵ همان‌کتاب)

ترجمه پیشنهادی: شخصی نام یک شهر ایتالیایی را به دلیل شباهت زیاد آوایی آن با اسم کوچک یک زن فراموش کرد.

The disposition to forget it extends to all parts of speech, and

an early stage of functional disturbance is revealed by the fluctuations in the control we have over our stock of foreign words-according to the general condition of our health and to the degree of our tiredness.

Dans ce dernier cas, la disposition à l'oubli existe pour toutes les parties du discours, et nous avons un premier degré de perturbation fonctionnelle dans l'irrégularité avec laquelle nous manions une langue étrangère, selon notre état général et notre degré de fatigue.

مترجم متن فرانسه: ما هنگام تکلم به یک زبان بیگانه، در جزء جزء سخن خود برای فراموشی آمادگی داریم و اگر مرتباً از یک زبان خارجی استفاده نکنیم، پریشانی عملکرد در درجه اول به وضع سلامتی و مقدار خستگی ما بستگی دارد. (ص ۱۷ همان کتاب)

ترجمه پیشنهادی: در اینجا تعادل به فراموشی به همه بخش‌های گفتار تسری یافته و اختلالات عملکردی اولیه‌ای ظاهر می‌شود و بسته به وضعیت عمومی سلامتی و میزان خستگی ما کنترل ما را بر دایره‌ها و ازگان خارجی دچار نوسان می‌سازد.

در نتیجه با توجه به مطالب بالا و همچنین اهمیت و جایگاه این کتاب در عرصه روانکاوی تصمیم گرفته شد تا به توصیه انتشارات جامی ترجمه دیگری از کتاب ارائه گردد، بدین امید که کاستی‌های ترجمه‌های موجود تا حدی جبران گردد. در اینجا یادآوری این نکته لازم است که ترجمه حاضر از متن فرانسوی<sup>۱</sup> آن صورت گرفته و در کنار آن به ترجمه انگلیسی<sup>۲</sup> آن نیز مراجعه شده است تا در حد امکان از وجود اشتباه بری

1. S. Freud, *Psychopathologie de la vie quotidienne*, Dr. S. Jankélévitch (trad.), Paris: petite bibliothèque payot, 1973

2. S. Freud, *Complete Works*, Ivan Smith, 2000, 2007, 2010

باشد. لازم به ذکر است که در نسخه فرانسوی تنها پاورقی‌های کتاب اصلی آمده است اما در نسخه انگلیسی، مترجم خود نیز مطالب زیادی را برای هر چه بیشتر روشن ساختن موضوعات در پاورقی آورده است. من هر آنچه را که به گمان خودم می‌توانست در فهم بهتر مطالب کتاب مفید باشد از نسخه انگلیسی ترجمه کرده و در پاورقی‌ها آورده‌ام. افزون بر این توضیح اصطلاحات و واژگان و همچنین معادل‌های فارسی را با مراجعه به «فرهنگ جامع روانشناسی و روانپزشکی»<sup>۱</sup> در پاورقی آورده‌ام. همچنین باید اضافه کنم که برخی واژه‌ها را به همان صورت اصلی در فرانسه ضبط نموده‌ام، زیرا واژه‌هایی هستند که هم در فارسی جا افتاده‌اند و هم از معادل‌های موجود گویاترند. امید است این ترجمه مقبول طبع و خاطر خوانندگان قرار گیرد، هر چند که بی‌شک بهترین و بی‌نقص‌ترین ترجمه از این اثر نیست. در انتها از تمامی خوانندگان تقاضا دارم بر خلاف سنت رایج، هیچ‌گونه اشکال و ایرادی را در متن کتاب به دیده اغماض ننگرند و مترجم را از آن آگاه سازند.<sup>۲</sup>

ب.م

۱- دکتر نصرت‌الله یورافکاری، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۲، چاپ چهارم